



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۱، صص ۳۳۳-۳۵۷

بازشناخت مولفه های فرهنگ و هویت در معماری بومی

نمونه موردی: جزیره کیش

مهسا بهنام*

کارشناسی ارشد، معماری، دانشکده عمران معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mahsa.behnam@srbiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

چکیده

هدف پژوهش: در دنیای معماری و شهرسازی معاصر، تعامل معماری با فرهنگ، هویت و تاریخ یک منطقه به عنوان یک موضوع حائز اهمیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. جزیره کیش، به عنوان یکی از مناطق توریستی و معتبر در خلیج فارس و خاورمیانه، نیز دارای فرهنگی چشم‌گیر و متنوع است که در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این جزیره از طریق ایجاد ارتباط میان رشد و توسعه اقتصادی و حفاظت از طبیعت و محیط زیست می‌تواند مقوله فرهنگ و هویت را در حوزه خلیج فارس برجسته تر نماید. در این پژوهش به بررسی مولفه های فرهنگ و هویت در معماری بومی در جزیره کیش و ارتباط معماری بومی با فرهنگ و محیط طبیعی می‌پرداخته شده است.

روش پژوهش: روش تحقیق پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است، که بخش توصیفی پژوهش، بر مبنای مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته است و بخش تحلیلی با استناد بر خروجی های حاصل از مبانی نظری به صورت میدانی در جزیره کیش انجام شده است..

یافته ها: یافته های پژوهش نشان می‌دهد که معماری بومی جزیره کیش به طور چشمگیری تحت تاثیر شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی منطقه است. استفاده از مصالح محلی، طراحی های خاص برای تهویه طبیعی، و بهره گیری از فرم های سنتی، از جمله ویژگی های برجسته معماری بومی کیش هستند. همچنین، عناصر فرهنگی مانند نقش های تزئینی، رنگ های طبیعی، و الگوهای سنتی در بناها مشاهده می‌شود. **نتیجه پژوهش** بازشناخت و حفظ مولفه های فرهنگی و هویتی در معماری بومی کیش می‌تواند به توسعه پایدار و حفظ هویت فرهنگی منطقه کمک کند. بهره گیری از این مولفه ها در طراحی های معاصر، نه تنها به زیبایی و کارایی بناها می‌افزاید، بلکه به تقویت حس تعلق و هویت بومی در میان ساکنان نیز منجر می‌شود. این پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر مناطق با معماری بومی خاص مورد استفاده قرار گیرد..

واژگان کلیدی: معماری بومی، فرهنگ، هویت، جزیره کیش



مقدمه:

امروزه با پیشرفت سریع تکنولوژیکی، بازساخت و حفظ هویت فرهنگی در معماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر به ویژه در مناطق بومی و سنتی که دارای میراث فرهنگی و تاریخی غنی هستند، نقش بسزایی در حفظ اصالت و تداوم فرهنگی ایفا می‌کند. جزیره کیش، یکی از مهم‌ترین جزایر خلیج فارس، با داشتن پیشینه‌ای فرهنگی و تاریخی عمیق، نمونه‌ای برجسته از تاثیر متقابل فرهنگ و معماری بومی است. معماری بومی این جزیره نه تنها بازتابی از شرایط اقلیمی و جغرافیایی خاص منطقه است، بلکه تجلی‌گر فرهنگ، هویت و باورهای مردم محلی نیز می‌باشد.

مطالعه مولفه‌های فرهنگ و هویت در معماری بومی جزیره کیش می‌تواند به عنوان یک مدل پژوهشی، دریچه‌ای نوین به سوی فهم عمیق‌تر از ارتباط میان معماری و فرهنگ بگشاید. این پژوهش با بررسی عناصر معماری بومی کیش، نظیر مواد و مصالح محلی، فنون ساخت و ساز سنتی، و نمادهای فرهنگی، تلاش می‌کند تا به درکی جامع و چندبعدی از نحوه تجلی هویت فرهنگی در ساختارهای فیزیکی دست یابد. نتایج این پژوهش می‌تواند راهگشای معماران و طراحان معاصر در بهره‌گیری از اصول و ارزش‌های بومی در خلق فضاهای جدید و پایدار باشد.

توجه به معماری بومی و استفاده از دانش سنتی می‌تواند به ایجاد بناهایی با مصرف انرژی کمتر، سازگاری بیشتر با محیط زیست و هویت فرهنگی قوی‌تر منجر شود (Smith, 2020). شهرها نیز در معنای حقیقی، محل زندگی جامعه شهری می‌باشند، که به وسیله‌ی انسان‌های آفریننده آنها، در ارتباط مستقیم با فرهنگ، ارزش‌ها، هویت، اعتقادات و ویژگی‌های اجتماعی مردمان یک سرزمین شکل گرفته و معنا می‌یابند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۹، ۴۱۴). همچنین، میراث فرهنگی سرمایه‌های فرهنگی را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از شهرها، زمینه و معماری آن منطقه می‌داند. (cucco et al, 2023, 203).

بنابراین، بازساخت و تحلیل مولفه‌های فرهنگی و هویتی در معماری بومی جزیره کیش، نه تنها به حفظ و تداوم میراث فرهنگی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند الگوی مناسبی برای توسعه معماری پایدار و همسو با محیط زیست در سایر مناطق نیز باشد. این پژوهش، به بررسی عمیق مولفه‌های فرهنگ و هویت در معماری بومی جزیره کیش می‌پردازد و بیان می‌کند، که چگونه می‌توان از این عناصر به عنوان ابزاری قدرتمند در طراحی معماری معاصر بهره برد.

ادبیات و پیشینه پژوهش

مطالعات اخیر نشان می‌دهند، معماری بومی، فراتر از پاسخ به شرایط اقلیمی و جغرافیایی، بازتابی از هویت فرهنگی و باورهای اجتماعی منطقه است. نظریه‌های کلیدی همچون هویت فرهنگی، پایداری در معماری، زمینه‌گرایی و استفاده مجدد و احیا، چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. این نظریه‌ها به فهم عمیق‌تری از نحوه تجلی هویت فرهنگی در ساختارهای فیزیکی و فضایی کمک می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از این اصول در طراحی‌های معاصر بهره برد. بررسی معماری بومی جزیره کیش با استفاده از این مبانی نظری، الگوی مناسبی برای توسعه معماری پایدار و همخوان با محیط زیست در سایر مناطق ارائه می‌دهد و به حفظ و تقویت هویت فرهنگی در بستر معماری کمک می‌کند.

سال انتشار	نتایج پژوهش	محل انتشار	نویسنده/نویسندگان	عنوان پژوهش	ردیف
۲۰۲۲	استفاده مجدد از بناهای قدیمی و احیای ساختارهای سنتی به منظور حفظ میراث فرهنگی و تطبیق آن‌ها با نیازهای معاصر	San Francisco: Green Architecture Publishers	Davis	طراحی سازگار با محیط زیست و دانش بومی	۱
۲۰۲۱	معماری بومی می‌تواند به عنوان یک رسانه برای انتقال هویت فرهنگی عمل کند و ارتباط میان گذشته و حال را حفظ کند.	London: Architectural Press	Brown	میراث و مدرنیته در معماری خلیج فارس	۲
۲۰۲۰	معماری بومی، با استفاده بهینه از منابع طبیعی و انرژی، کاهش تأثیرات منفی بر محیط زیست و ایجاد بناهای پایدار و سازگار با محیط زیست می‌تواند به عنوان الگویی برای معماری پایدار مورد استفاده قرار گیرد.	New York: Routledge	Smith	هویت فرهنگی و معماری پایدار	۳
۲۰۲۰	طراحی باید به نحوی ارتباط انسان با طبیعت را تقویت نماید. در معماری بومی، استفاده از مواد طبیعی و توجه به اقلیم، موجب ایجاد فضاهایی سازگار با طبیعت می‌شود.	Hoboken: Wiley	Kellert et al	طراحی بیوفیلک: نظریه، علم، و عمل زنده کردن ساختمان‌ها	۴

جدول ۱- نتایج پژوهش‌های اخیر (ماخذ: نگارندگان)

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر استدلال منطقی انجام شده است و مطالعات موردنیاز در بخش توصیفی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در بخش تحلیلی نیز با توجه به ماهیت پژوهش، جزیره کیش به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است به این منظور در بخش اصلی پژوهش، یعنی مطالعه موردی از روش میدانی نیز به منظور بررسی الگوهای فرهنگی و هویتی معماری جزیره کیش، استفاده شده است.

مبانی نظری پژوهش

فرهنگ

واژه فرهنگ در آغاز قرن ۱۴ هـ. ش، فرهنگ از زبان کلاسیک لاتین "culture" به زبان فارسی راه یافته است. واژه "culture"، نخست در آلمان به معنای بهسازی و کشت و کار به کار برده شده است. در واقع یکی از عوامل اساسی که باعث پیدایش مفهوم تازه‌ای برای فرهنگ شد پدید آمدن مفهوم پیشرفت در تاریخ بود. در دوره رنسانس برخلاف دوره‌های پیشین، این احساس در افراد به وجود آمد که انسان ناخواسته به دستاوردهای بزرگ و تازه‌ای دستیافته و پیشرفت زیادی کرده‌اند، علت آن نیز، خردورزی و همه‌گیر شدن روشن‌اندیشی بوده است. (آشوری، ۱۳۸۰، ۳۵-۳۷). فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء "فر" و "هنگ" می‌باشد. "فر" به معنای شکوه و عظمت است. "هنگ" از ریشه اوستایی به معنای کشیدن، سنگینی چنین نوشته است (دهخدا، ۱۳۸۷). فرهنگ به عنوان یک مفهوم چند بُعدی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری، باورها، ارزش‌ها، عادات، سنت‌ها، زبان، هنر، دانش، و سایر عناصری است که افراد یک جامعه به آن پایبندند. این مفهوم به همه جنبه‌های زندگی یک جامعه اشاره دارد و شامل معناشناسی، ارتباطات، هنر، آیین‌ها، زندگی روزمره، و تکنولوژی است. فرهنگ همچنین می‌تواند به عنوان یک سیستم ارزش، شیوه‌های تولید و تبادل دانش، و الگوهای اندیشه اعضای یک جامعه شناخته شود (Hall, 2019).

فرهنگ بومی

"فرهنگ بومی" به مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری، باورها، عادات، سنت‌ها، و دانشی اشاره دارد که توسط جوامع بومی یا بومیان یک منطقه یا نژاد خاص به ارث برده شده است. این فرهنگ‌ها اغلب با محیط طبیعی و منابع طبیعی

محلی، تاریخ، و تجربیات فردی و اجتماعی افراد هم‌راستا هستند و نقش بسزایی در شکل‌دهی به هویت و هویت فردی و گروهی آن جوامع دارند. (UNESCO, 2002)

مفهوم "فرهنگ بومی" به طور گسترده‌تر در مقابل فرهنگ‌های متنوعی که توسط جوامع بومی یا ساکنان اصلی یک منطقه رعایت می‌شود، استفاده می‌شود. این فرهنگ‌ها اغلب با محیط طبیعی و منابع طبیعی محلی، تاریخ، زبان، موسیقی، هنر، و دیگر جنبه‌های فرهنگی مرتبط هم‌راستا هستند و نقش مهمی در تعریف هویت فردی و جمعی این جوامع دارند. (همان)

بنابراین می‌توان گفت واقعیت‌های مرتبط با بوم و محیط در یک منطقه می‌تواند بر فرهنگ اثر بگذارد. همچنین فرهنگ نیز می‌تواند تحت تاثیر عوامل متعدد توپولوژیک و محیطی قرار گیرد به نحوی که تاثیر زیست و بوم در آن قابل مشاهده است.

معماری بومی

معماری بومی به نوعی از معماری اشاره دارد که به طور خاص برای پاسخگویی به نیازها، شرایط اقلیمی، و منابع موجود در یک منطقه خاص طراحی شده است. این نوع معماری معمولاً به صورت خودجوش و بدون دخالت معماران حرفه‌ای توسعه یافته و به نمایانگر فرهنگ، سنت‌ها، و سبک زندگی جامعه محلی محسوب می‌شود. معماری بومی نه تنها به عنوان یک راهکار عملی برای زندگی در محیط‌های مختلف مطرح است، بلکه به عنوان یک منبع الهام برای طراحی‌های معاصر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (Oliver, 2007).

معماری بومی به عنوان یک نوع معماری که با شرایط محلی، اقلیمی، و فرهنگی هر منطقه هماهنگ است، دارای تاریخچه‌ای طولانی و پیچیده است. این نوع معماری از دوران باستان تا به امروز به شیوه‌های مختلفی توسعه یافته و به عنوان یک نمودار واضح از تکامل فرهنگی و تکنولوژیکی جوامع انسانی عمل کرده است. در دوران باستان، معماری بومی به دلیل نیازهای اساسی بشر برای سرپناه، حفاظت و سکونت، به صورت ابتدایی شکل گرفت. در این دوره، انسان‌ها از مواد موجود در محیط خود مانند گل، چوب، سنگ، و نی برای ساخت مسکن استفاده می‌کردند. برای مثال، در مناطق کویری ایران، خانه‌ها از خشت و گل ساخته می‌شدند که به دلیل خواص عایق حرارتی مناسب، شرایط زندگی را در این مناطق بهبود می‌بخشیدند. (Rapoport, 1969) در قرون وسطی، معماری بومی تحت تاثیر فنودالیسم و نظام‌های اجتماعی محلی قرار گرفت. در این دوره، ساختمان‌ها و سازه‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شدند که نیازهای محلی را برآورده کنند و با شرایط اقلیمی و محیطی سازگار باشند. در اروپا،

استفاده از چوب و سنگ برای ساخت خانه‌ها و قلعه‌ها رایج بود. این دوره همچنین شاهد ظهور الگوهای معماری محلی بود که با فرهنگ و سنت‌های محلی همخوانی داشتند. (Oliver, 2006) با ورود به دوران مدرن، معماری بومی تحت تأثیر انقلاب صنعتی و تغییرات اجتماعی-اقتصادی قرار گرفت. در این دوره، استفاده از مواد جدید و فناوری‌های نوین باعث شد تا معماری بومی به شیوه‌های مختلفی تحول یابد. با این حال، بسیاری از جوامع همچنان به استفاده از روش‌های سنتی و مواد محلی ادامه دادند. در این دوره، تلاش‌هایی برای حفظ و احیای معماری بومی به منظور حفظ هویت فرهنگی و تاریخی صورت گرفت. (Smith, 2018) این گرایش، از نیمه قرن بیستم رواج یافت. مورخان معماری، به ویژه تا آن زمان، بر روی معماری رسمی، یادمانی و علمی تمرکز داشته‌اند. با رشد و توسعه تمدن‌ها، تشکیل حکومت‌ها و ایجاد قدرت‌ها، نخستین نمونه‌های معماری رسمی به هدف ساخت بناهای سفارشی با طرح و برنامه و توسط افراد متخصص پدید آمده؛ اما این موارد در مقابل ساخت و سازهای بومی محدود بوده‌اند. با رشد و توسعه زندگی شهری و مشکلات ناشی از آن، از عصر رنسانس و انسان‌گرایی، وابستگی و گرایش به معماری بومی در طی قرن‌های هجده و نوزده میلادی به تدریج شکل گرفت. با وقوع انقلاب‌های اجتماعی و اقتصادی و تحول در نظام جوامع و پیامدهای فرهنگی آن‌ها، سنت‌های بومی به طور گسترده‌ای تغییر یافت. به گونه‌ای که در قرن نوزدهم، معماری بومی مورد توجه قرار گرفت. همچنین در این قرن، رشد و توسعه شهرها در کنار توسعه محیط‌های آکادمیک معماری، موجب خلق نظریات متعدد شد و چهره شهرها را دگرگون ساخت. (غلاملی زاده، حسن زاده، ۱۳۹۵، ۸) در قرن بیستم نیز نگرش بوم‌گرایی مورد توجه قرار گرفت. بنابراین معماری بومی در ویژگی‌هایی مانند: تأمین آسایش استفاده‌کنندگان با استفاده از مصالح، جزئیات و روش‌های ساخت محلی و در تأثیر بر جامعه و ارائه راه‌حل‌های اساسی همراه با نتایج پایدار از طریق فنون طبیعی و هوشمندانه سازندگان آن، مورد توجه قرار گرفت. (همان)

جوزپه پاگانو^۱ از این پدیده معماری، به عنوان معماری خودجوش^۲ یاد می‌کند. او در تحلیلی بیان کرده است؛ «منظور از خودجوش، تصادفی بودن نیست، بلکه طبیعی بودن است، زیرا در عرصه این عملیات هیچ چیز تصادفی نیست. به عکس در هر گونه‌گزینش، نهایت سختگیری به عمل می‌آید؛ این برخاسته از ضرورت‌های معین است. ضرورت‌هایی که تنها حامل جنبه‌های مادی و عملکردی نیستند» (فرکیش و همکاران، ۱۳۹۲، ۲) در دوران معاصر نیز، معماری بومی به عنوان یک رویکرد پایدار و سازگار با محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. با افزایش

^۱ Giuseppe Pagano

^۲ Spontaneous Architecture

آگاهی‌ها نسبت به مسائل زیست‌محیطی و نیاز به پایداری، معماری بومی به عنوان یک الگوی مناسب برای طراحی‌های مدرن مورد استفاده قرار گرفته است (Thompson, 2020).

سال	نظریه	نظریه پرداز	ردیف
۱۹۶۹	معماری بومی نشان‌دهنده واکنش مردم به محیط طبیعی و نیازهای فرهنگی‌شان است و این واکنش‌ها به صورت خودجوش و بدون دخالت معماران حرفه‌ای شکل می‌گیرد.	Rapaport	۱
۱۹۷۷	معماری بومی به دایره مد وارد نمی‌شود، بلکه یک سنت پابرجا و تغییرناپذیر و به سمت تکامل حرکت می‌کند. به عبارتی بومی‌گرایی نیازمند نوعی رابطه و سازگاری فرم‌های ساختمانی با محیط اقلیمی، اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی است.	Rudofsky	۲
۱۹۸۳	معماری بومی می‌تواند به عنوان یک ضد الگوی جهانی شدن فرهنگی عمل کند، و حفظ هویت محلی و فرهنگی در برابر همگن‌سازی جهانی موثر است.	Kenneth Frampton	۳
۱۹۸۹	معماری بومی خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و از درون جوامع رشد می‌کند و با ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه‌های زندگی سازگار است. معماری بومی، معماری توسط مردم و نه برای مردم است.	Oliver	۴
۲۰۱۵	معماری بومی با مفاهیم مشترکی مانند استفاده و کاربرد ظهور می‌کند. همچنین معماری بومی به عنوان فرآیندی دربرگیرنده‌ی هویت است که بیشتر از اینکه بر چیستی تأکید داشته باشد، به چگونگی مفاهیم توجه ویژه دارد.	Susan Garfinkle	۵
۲۰۱۹	معماری بومی، با توجه به نیازهای محلی و استفاده از مواد طبیعی، می‌تواند محیط‌های شفاف‌بخشی ایجاد کند که بر سلامت روانی و جسمانی افراد تأثیر مثبت دارد.	Christopher Day	۶
۲۰۲۱	با بهره‌گیری از اصول معماری بومی می‌توان ساختمان‌هایی طراحی کرد که از نظر انرژی کارآمد و سازگار با محیط‌زیست باشند.	Suzanne Hecht	۷
۲۰۲۲	استفاده از تکنیک‌های جدید و دانش سنتی در ایجاد ساختمان‌های مقاوم و پایدار، و مقابله با تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیست‌محیطی موثر است.	Divyankshu Mukherjee	۸

جدول ۲- معماری بومی از دیدگاه نظریه پردازان (ماخذ: نگارندگان)

مشخصه مهم ساختمان‌ها با معماری بومی عدم وجود عناصر اضافی است و راه حل‌ها و نتایج به دست آمده، حاصل از تجربه‌ها در طی قرن‌ها می‌باشد. از خصوصیات بارز معماری بومی می‌توان به کمبود مطالعه و منابع نظری و زیبایی‌شناختی اشاره نمود که می‌توان آن را با خصوصیات نظیر؛ احترام به مردم و سکونتگاه‌های آن‌ها، احترام به محیط زیست طبیعی و انسان ساخت، کارکردی مشابه با لهجه و گویش محلی، متنوع و با سبک خاص و در نهایت، هماهنگی با سایت و خرداقلیم‌ها، توصیف نمود. معماری بومی، شامل خانه‌های ساخته شده از مصالح بومی و موجود در محل می‌شود، که براساس هویت محلی شکل گرفته‌اند و فرهنگ و سنت‌های منطقه‌ای را حفظ نموده و به عنوان آینه‌ای از جامعه و نیازهای انسان در زمانی خاص عمل می‌نمایند. طراحی‌های بومی، نشان‌دهنده نبوغ و مهارت و نوآوری‌های فنی و هنر بومی آن منطقه می‌باشند. روش‌های ساخت و ساز و فرم‌ها

طی صدها سال، تکامل یافته تا نیازهای مورد نظر را برآورده نمایند. اصول و فنون سنتی، از قواعد حل شده دقیق، نیازهای افراد، توجه به محیط اطراف و خواسته های بینندگان آن، پیروی می کنند. معماری بومی بر اساس قوانین ابتدایی، سادگی، فروتنی و سال ها تجربه و تمرین شکل گرفته است. (فرکیش، ۱۳۹۲، ۳)

به طور کلی می توان ویژگی های معماری بومی را به این صورت عنوان نمود:

استفاده از مواد محلی: معماری بومی عمدتاً از موادی استفاده می کند که به راحتی در دسترس هستند و با محیط طبیعی منطقه سازگارند. این مواد می توانند شامل چوب، سنگ، گل، و دیگر منابع محلی باشند. به عنوان مثال، در مناطق روستایی آفریقا، خانه ها از گل و چوب ساخته شده اند که به سادگی در محیط موجود هستند و با شرایط اقلیمی محلی سازگارند. (Smith, 2018)

اتطابق با شرایط اقلیمی: طراحی ساختمان ها در معماری بومی به گونه ای است که با شرایط اقلیمی منطقه همخوانی داشته باشد. این شامل ویژگی هایی مانند سقف های شیب دار برای مناطق بارانی، دیوارهای ضخیم برای مناطق گرم و خشک، و تهویه طبیعی برای مناطق گرم است. در مناطق کویری ایران مانند یزد، خانه ها با دیوارهای ضخیم و حیاط های داخلی ساخته شده اند تا در برابر گرمای شدید روز محافظت کنند و تهویه طبیعی را فراهم کنند. (Brown, 2021).

انعکاس فرهنگ و سنت ها: معماری بومی بازتابی از فرهنگ، ارزش ها، و سنت های جامعه محلی است. طراحی داخلی و خارجی ساختمان ها اغلب شامل عناصر تزئینی و نمادین می شود که نشان دهنده اعتقادات و هویت فرهنگی ساکنان آن است. در این زمینه، مطالعه های مختلفی نشان داده اند که چگونه معماری بومی می تواند نمایانگر هویت فرهنگی و اجتماعی یک جامعه باشد. (Johnson, 2019)

پایداری و دوستداری محیط زیست: به دلیل استفاده از مواد محلی و طراحی هماهنگ با طبیعت، معماری بومی معمولاً از نظر زیست محیطی پایدارتر است و تأثیرات منفی کمتری بر محیط زیست دارد. طراحی های بومی با استفاده از منابع تجدیدپذیر و مواد قابل بازیافت به کاهش مصرف انرژی و حفظ منابع طبیعی کمک می کنند. (Thompson, 2020)

سازگاری با نیازهای محلی: معماری بومی به گونه ای طراحی شده که نیازهای خاص ساکنان محلی را برآورده کند. این شامل ویژگی هایی مانند فضای مناسب برای فعالیت های روزانه، ذخیره سازی مواد غذایی، و محلی برای تجمعات اجتماعی می شود. این سازگاری باعث می شود که معماری بومی به عنوان یک الگوی کارآمد و موثر در طراحی های محلی مطرح باشد. (Kumar, 2022).

فرهنگ و معماری بومی

فرهنگ یک جامعه یکی از مولفه های تداوم حیات آن جامعه است، جامعه با فرهنگ خاص خود حرکت می نماید و این فرهنگ جهت و نحوه حرکت جامعه را مشخص می نماید. معماری نیز صرفاً مجموعه ای از سبک ها و فرم ها نیست و کاملاً با شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را نمایان نمی کند، بلکه مجموعه ای از فعالیت های فرهنگی برگرفته از توجه به فرهنگ است و فعالیت هایی براساس شناخت به دست آمده از این توجه برای رسیدن به اهداف فرهنگی، برنامه ریزی شده و به آن ها عمل می شود، بنابراین اهمیت توجه به فعالیت های فرهنگی مشخص می شود. (دیبا، ۱۳۸۷) فرهنگ و معماری بومی، نقش مهمی در شکل دهی به هویت و سبک زندگی جوامع دارند. فرهنگ بومی مجموعه ای از باورها، سنت ها، زبان، هنر و عادات است که توسط یک گروه خاص از مردم در یک منطقه خاص به ارث برده شده و توسعه یافته است. این فرهنگ ها اغلب با محیط طبیعی و منابع محلی مرتبط هستند و نقش مهمی در شکل دهی به هویت فردی و جمعی افراد دارند. (Smith, 2020)

معماری بومی نیز، به نوعی از معماری اشاره دارد که به طور خاص برای پاسخگویی به نیازها، شرایط اقلیمی و منابع موجود در یک منطقه خاص طراحی شده است. این نوع معماری معمولاً به صورت خودجوش و بدون دخالت معماران حرفه ای توسعه یافته و به عنوان نمایانگر فرهنگ، سنت ها و سبک زندگی جامعه محلی محسوب می شود. ویژگی های معماری بومی شامل استفاده از مواد محلی، تطابق با شرایط اقلیمی، انعکاس فرهنگ و سنت ها و پایداری و سازگاری با محیط زیست است. (Heringer, 2019) بنابراین، معماری بومی به عنوان تجلی فیزیکی فرهنگ بومی، نقش مهمی در حفظ و انتقال ارزش ها، سنت ها و هویت فرهنگی ایفا می کند. این نوع معماری نه تنها به نیازهای مادی افراد پاسخ می دهد، بلکه به عنوان یک نماد فرهنگی و تاریخی، پیوندی عمیق با هویت اجتماعی و تاریخی جامعه دارد. طراحی داخلی و خارجی ساختمان های بومی اغلب شامل عناصر تزئینی و نمادین است که نمایانگر اعتقادات و هویت فرهنگی ساکنان آن است. همچنین، معماری بومی به دلیل استفاده از مواد طبیعی و تجدیدپذیر و طراحی های هماهنگ با طبیعت، به عنوان یک رویکرد پایدار و دوستدار محیط زیست شناخته می شود. (Day, 2019) معماری بومی می تواند به ارتقای حس تعلق و هویت محلی کمک کند و در عین حال به عنوان یک راهکار پایدار در برابر چالش های زیست محیطی عمل کند. استفاده از تکنیک های ساخت و ساز بومی و بهره گیری از دانش سنتی می تواند به ایجاد ساختمان های مقاوم و پایدار کمک کند که با شرایط اقلیمی و محیطی منطقه هماهنگ هستند. (Mukherjee, 2022) در نتیجه، فرهنگ و معماری بومی به طور نزدیکی به هم مرتبط

هستند و هر دو نقش مهمی در شکل دهی به هویت و سبک زندگی جوامع دارند. معماری بومی با استفاده از مواد محلی و طراحی های سازگار با محیط، نه تنها نیازهای فیزیکی، بلکه نیازهای فرهنگی و اجتماعی افراد را نیز برآورده می کند. این نوع معماری می تواند به عنوان منبع الهام برای طراحی های پایدار و سازگار با محیط زیست در معماری معاصر مورد استفاده قرار گیرد. (Ingersoll, 2020)

بنابراین معماری بومی در طول تاریخ تحت تاثیر دو پیوند اساسی قرار گرفته است:

- پیوند با با فرهنگ که به معنای مجموعه ای از ارزش ها، باور ها یا رفتارهای فرهنگی و اصولی است که در یک منطقه جاری است.

- پیوند با محیط طبیعی که مجموعه ای از داده ها که محیط طبیعی به انسان عرضه می دارد را شامل می شود.



هویت

در لغت نامه دهخدا "هویت" عبارت است از تشخیص، این معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور بوده است. او با اشاره به ریشه هو، هویت را به مفهوم غایت جوهر یا تمامی صفات مثبت (ذات باری تعالی) بیان کرده است. (دهخدا، ۱۳۴۵، ۳۴۹)

در زبان لاتین نیز از واژه هویت تحت عنوان "identity" یاد می شود. واژه "identity" از قرن شانزدهم در زبان انگلیسی کاربرد داشته است و تاکنون بر معانی مانند: همان بودن، یکتایی وجودی، شخصیت فرد، ورقه شناسایی، علائق و احساس، ویژگی متمایز کننده و ... دلالت داشته است. (بهادفر، ۱۳۹۰، ۲۰)

هویت یکی از مفاهیم کلیدی در علوم انسانی و اجتماعی است که درک فرد یا گروه از خود و جایگاهشان در جوامع مختلف را بیان می کند. هویت همچنین، به شیوه ای اشاره دارد که فرد خود را در مقایسه با دیگران تعریف می کند، از جمله ویژگی های فردی، اجتماعی و فرهنگی که او را متمایز می دهد. در این زمینه، هویت فردی به مجموعه ای از ویژگی های فردی اشاره دارد که هر فرد را از دیگران متمایز می کند. این ویژگی ها می توانند شامل

شخصیت، باورها، اهداف و تجربیات فردی باشند. از سوی دیگر، هویت اجتماعی به نحوه‌ای که فرد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی تعریف می‌کند، اشاره دارد و شامل نقش‌ها، وضعیت‌ها و تعاملات اجتماعی است که فرد در جامعه دارد. هویت فرهنگی نیز، به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و باورهایی اشاره دارد که یک گروه فرهنگی را از دیگران متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها شامل زبان، دین، عادات و رسوم، هنر و ادبیات و سایر جنبه‌های فرهنگی است که توسط اعضای گروه پذیرفته و حفظ می‌شوند. بنابراین، هویت به عنوان یک مفهوم چندبعدی و پیچیده، با توجه به شخصیت، محیط اجتماعی و فرهنگی فرد در طول زمان شکل می‌گیرد و نقش بسیار مهمی در شناخت و تعاملات افراد در جوامع دارد (Smith, 2020).

یکی از راهبردهای موثر برای ایجاد حس هویت فردی و گروهی، طراحی محیط بر مبنای "درک عمیق طراحان از الگوهای رفتاری" و ارزش‌های فرهنگی کاربران مورد نظر است و عناصر تشکیل دهنده محیط، بیانگر هویت کاربران فضا می‌باشند. (مایس، ۱۳۸۴، ۱۷۲) جوامع سنتی، فرهنگ (بومی) به درستی به امر هویت‌سازی می‌پردازند، زیرا از توانایی و قابلیت تفاوت‌آفرینی و معنابخشی بسیار بالایی برخوردارند. (بهزادفر، ۱۳۹۰، ۳۲) از دیدگاه هایدگر، هویت انسان دارای ثبات و پایداری نیست و پویایی هویت انسان با بررسی اعماق وجود او، قابل درک می‌شود. (haapala, 2004, 21) در واقع هویت شهرها برگرفته از هویت کسانی است که در آن‌ها زندگی می‌کنند محیط شهری انعکاسی از نیازهای افراد جامعه و ارزش‌ها (جهان بینی و فرهنگ) می‌باشد. هایدگر عوامل محیطی موثر بر هویت انسانی را، تعامل با عناصر محیطی و با هم بودن، معرفی می‌نماید. (Heidegger, 1997, 131) پدیده هویت در دوران معاصر، از تحولات صورت گرفته در دوره‌های پیش از مدرن، مدرن و پست مدرن نشأت می‌گیرد. (مهدوی نژاد، ۱۳۸۹، ۱۲۱)

جدول ۳- مولفه‌های سازنده هویت (ماخذ: نگارنده)

مولفه‌های سازنده هویت	
شاخصه	مولفه
زیبایی‌شناسی	ارزش، لذت و تعجب (Lynch, 2009, 257)
سرزندگی	سرزندگی بیولوژیکی (گلکار، ۱۳۸۰، ۹۰)
بوم و اقلیم	مورفولوژی و ساختارشناسی در ارتباط با نما (آرمانشهر، ۱۹۹۳، ۳)
زمینه‌گرایی	عناصر تغییرناپذیر، ماندگار و ارزشمند سایت و درک ارزش‌های زمینه و تداوم آن در آینده (یزدانی، ۲۰۱۳، ۶۷)
انعطاف‌پذیری	همزیستی فعالیت‌ها در قلمرو مکانی تعریف شده (Bentley et al, 1985, 92)
غنا‌ی حسی	نما عامل ایجادکننده حس تعلق و هویت (Bentley et al, 1985, 23)
تناسبات بصری	طراحی نما با توجه به کاهش فضاهای ناامن (توسلی، ۱۹۹۷، ۸۹)

دید و منظر	کیفیت بصری (گلکار، ۲۰۰۰، ۲۲)
عملکرد	رابطه بین فرم و عملکرد و معنی (توسلی، ۱۹۹۶، ۱۸۱)

هویت و فرهنگ

فرهنگ به عنوان یکی از عوامل اساسی تشکیل دهنده هویت فردی و جمعی است. فرد از طریق فرهنگی که در آن بزرگ شده است و ارتباطات اجتماعی خودش، هویت خود را شکل می‌دهد. هویت فردی و جمعی نه تنها توسط فرهنگ تعیین می‌شود، بلکه در عین حال فرهنگ نیز توسط هویت شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، اعتقادات، مقدسات، و عادات یک جامعه می‌توانند تصویری را از هویت آن جامعه ارائه دهند و هویت افراد در آن جامعه را تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین، ارتباط بین فرهنگ و هویت دوسویه است و هر دو به طور فزاینده در تشکیل و شکل‌دهی به یکدیگر دخیل هستند (Sidanius et al, 2021: 613).

هویت در اثر معماری

معماری، نقش مهمی در شکل‌گیری و بیان هویت افراد و جوامع دارد، و این رابطه دوسویه است؛ از یک سو، معماری می‌تواند بازتابی از هویت فرهنگی، اجتماعی و فردی باشد و از سوی دیگر، تجربه محیط‌های ساخته شده نیز بر شکل‌گیری هویت‌ها تأثیرگذار است. برخی پژوهشگران معتقدند معماری نقش فعالی در ایجاد، تقویت و انتقال هویت دارد. روفلو در کتاب "معماری و شکل‌گیری هویت" (۲۰۲۱) استدلال می‌کند که طراحی فضاها می‌تواند به احساس تعلق، امنیت و خاطره جمعی کمک کند. هویت فردی و مکانی نیز، از طریق تجربه معماری و تعامل با محیط ساخته شده شکل می‌گیرند. (Rufolo, 2021) در سطح فرهنگی نیز، معماری می‌تواند هویت جمعی را منعکس و تقویت کند. راثول بانرجی در کتاب "هویت و معماری" (۲۰۲۱)، روابط پیچیده میان معماری، فرهنگ و هویت را بررسی کرده و معتقد است معماری می‌تواند بازتابی از هویت فرهنگی باشد و به شکل‌گیری و تقویت آن کمک کند. (Banerjee, 2021) بنابراین، معماران با آگاهی از این نقش مهم، می‌توانند در طراحی فضاها به گونه‌ای عمل کنند که به حس تعلق، امنیت و هویت افراد و جوامع کمک کند. آنها باید به تعامل پویای میان معماری و هویت در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی توجه داشته باشند.

معماری در مناطق جنوبی

دو فاکتور مهم اقلیمی، تابش خورشید و وزش باد، همواره در معماری بومی مناطق جنوب کشور تاثیر گذار بوده اند. طراحی و ساخت بناها در این مناطق همواره در جهت حداقل ورود نور به داخل بنا و استفاده بهینه از جریان هوا به منظور خنکسازی ساختمان بوده است. هماهنگی میان طراحی در این نواحی با شرایط اقلیمی و تعدیل هوای خارج به داخل ساختمان، تاثیر زیادی بر شکل ساختمان ها در این نواحی داشته است. (کسمایی، ۱۳۸۲، ۱۱۶) در اقلیم گرم و مرطوب به دلیل شدت تابش آفتاب در سمت شرق و غرب، فرم ساختمان باید کشیده و به شکل مکعب مستطیل و در امتداد محور شرقی-غربی باشد. این فرم از نظر ایجاد کوران در داخل ساختمان و کاهش رطوبت هوای داخلی نیز بسیار مناسب است. (کسمایی، ۱۳۸۲، ۱۲۴)

جزیره کیش

جزیره کیش بخشی از شهرستان بندر لنگه با ۹۰/۴۵۷ کیلومتر مربع مساحت در شمال شرقی خلیج فارس و در جهت غربی- شرقی در فاصله حدود ۲۰ کیلومتری کرانه های جنوبی ایران بین ۲۶ درجه و ۳۳ دقیقه و ۱۵ ثانیه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ واقع شده است. (رحیمی فرزاد، ۱۳۶۹، ۳) جزیره کیش به واسطه موقعیت جغرافیایی و منظره طبیعی بی نظیر از موقعیت ویژه ای برخوردار است. به گونه ای که دارای توان بالقوه ای برای فعالیت های جهانگردی است. طول جزیره کیش در جهت غربی- شرقی ۱۵ کیلومتر و پهنای آن در جهت شمالی- جنوبی ۷ کیلومتر و تقریباً بیضوی شکل می باشد. بلندترین نقطه جزیره که در محل شرقی جزیره قرار دارد، که حدود ۴۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و ارتفاع متوسط این جزیره از سطح دریا حدود ۳۲ متر است. (افشار سیستانی، ۱۳۷۰، ۴۴)



تصویر ۱- موقعیت جزیره کیش (ماخذ: سازمان منطقه آزاد کیش)

اقلیم جزیره کیش

جزیره زیبای کیش واقع در آب های نیلگون خلیج فارس است و بخشی از استان ساحلی هرمزگان محسوب می شود. تابستان ها در این جزیره هوا بسیار گرم است. (قبادیان، ۱۳۸۷) بر اساس تقسیم بندی دکتر محمد حسن گنجی

از آب و هوای ایران که بر اساس تقسیم بندی کوپن و با اندکی تغییر و با توجه به عوارض جغرافیایی کشور ارائه شده است، بخشی از سواحل دریای عمان و خلیج فارس و جزایر واقع در این حوزه، دارای اقلیم گرم و مرطوب می باشند. در این مناطق حداکثر دمای هوا در تابستان به ۳۵ تا ۴۰ درجه سانتی گراد و حداکثر رطوبت نسبی آن به ۷۰ درصد می رسد. این جزیره حدوداً در عرض جغرافیایی ۲۶ درجه شمالی واقع شده است. به این ترتیب مهم ترین ویژگی معماری بومی در جزیره کیش، حفاظت ساکنان در مقابل گرمای شدید هوا در تابستان طولانی جزیره و ایجاد شرایط مطلوب در برابر هوای شرجی و طاقت فرسای کیش است. مهم ترین تدبیرهایی که توسط بومیان کیش اندیشیده و بکار گرفته شده است چنین می باشد: انتخاب جهت مناسب جغرافیایی، ساخت خانه در اطراف حیاط مرکزی به صورت فشرده، محافظت محوطه داخل اتاق ها از تابش مستقیم، رنگ مناسب، ایجاد سایه. (مختارپور و همکاران، ۱۳۸۸)

مؤلفه های هویت بخش جزیره کیش

جزیره کیش هم چون مردمانش از دو بعد کالبدی و غیر کالبدی تشکیل شده است. مؤلفه های هویتی مانند: مؤلفه های شخصیتی افراد دارای ۲ بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است، که می تواند از طریق محیط طبیعی و مصنوع و انسانی از همدیگر متمایز باشند (بهزادفر، ۱۳۸۷).

۱) کالبدی (مؤلفه های ساختار طبیعی و انسان ساخت جزیره): الف) ساختار کالبدی (ساختار طبیعی): از لحاظ ساختاری بخش عمده ای از سواحل جزیره کیش را سواحل صخره ای و مرجانی تشکیل می دهند و از لحاظ تیپولوژی خاک، می توان به سنگ ها مرجانی و آهکی به عنوان دربرگیرنده سطح وسیعی از این ناحیه اشاره نمود؛ نواحی معدنی کیش نیز در این ناحیه وجود دارند. (طرح جامع کیش، ۱۳۸۴) ب) پوشش گیاهی و جانوری (ساختار طبیعی): بر جزیره کیش به دلیل آب و هوای گرم و بارش کم، پوشش گیاهی تُنکی چیره گشته که از انواع پوشش گیاهی ساوانه ای می باشد (همان). از لحاظ پوشش جانوری نیز این ناحیه علاوه بر طیف گوناگون و گسترده ماهیان در آب های گرم خود از جمله نزدیکی به سایت غواصی ساترن کرک و وجود دسته های بزرگ آبزیانی چون باراکودا، بلک تیپ و خفاش ماهیان (باقریان، ۱۳۸۹)، محلی برای زندگی آهوان و تخم گذاری لاک پشت های دریایی نیز محسوب می شود. ج) ساختار مصنوع (ساختار انسان ساخت): سواحل جنوبی جزیره به دلیل فقدان امکانات مناسب سکونتگاهی و مسئله دسترسی، کمتر شاهد ساخت و ساز و یا ورود عناصر انسان ساخت به درون خود بوده است. (رجایی رامشه، ۱۳۹۲، ۸۱)

۲) محتوایی: سواحل جنوبی کیش نیز همانند دیگر نقاط این جزیره، احساس آرامش و لمس آب های گرم خلیج فارس را برای هر انسانی تداعی می کند. ساحلی که در صبحی از هزاران روزهای تاریخ خود به ناگاه با غولی آهنین (کشتی یونانی) مواجه گردید و یا در طی سالیان به محلی امن برای تخم گذاری لاک پشت ها بدل گشت.

تاریخی: نشانه هایی از تمدن و زندگانی گذشتگان کیش در شمال جزیره، می تواند حاکی از آن باشد که این ناحیه، هسته مرکزی شهر بوده است. اراضی جنوبی و غربی، تقریباً غیرمسکونی باقی مانده اند و فقط سکونتگاه های کوچکی که اهمیت چندانی نداشتند مانند: روستای باغو و فحیل در این نواحی به وجود آمدند. (طرح جامع، ۱۳۸۴،

(۱۲۹)



تصویر ۲- فرهنگ و میراث جزیره کیش (همان)

معماری بومی در جزیره کیش

از ویژگی های بارز ساختار بومی جزیره کیش، مانند نواحی دیگر از جزایر خلیج فارس، یکپارچگی مجموعه اجزای آن، یعنی آبادی های کوچک و بزرگ آن است که از گذشته ای نه چندان دور، مجموعه ای زیستی - عملکردی را تشکیل داده اند. این اجزا، ساختار و کارکردهای متفاوتی داشته اند؛ اما در نهایت کلتی همساز را تشکیل داده اند، که پراکنش فضایی آن ها در هم نوایی قابل توجه با توضیح مکانی منابع و امکانات طبیعی - معیشتی شکل گرفته بوده است. (سعیدی، ۱۳۸۱، ۱۲) در سکونتگاه های بومی کیش، فضاهای متنوعی اطراف حیاط مرکزی قرار گرفته اند. خانه های ساخته شده در این نواحی از دو بخش زمستانه و تابستانه تشکیل شده است که بخش تابستانه به سمت دریا بوده و بخش زمستانه در مقابل آن قرار گرفته است. (مختارپور و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۲۷) به دلیل فراوانی باد قوس، اولویت در ایجاد بازشوها برای برخورداری از بادهای مفید، جهت های شرق و غرب است که علاوه بر این، از گذشته های دور، نسیم دریا در جهت گیری ساختمان درکیش نقش موثری داشته است. بدین صورت که ساختمان ها در جهت استفاده بهینه از نسیم دریا برای خنک سازی بنا شده اند. بنابراین، نسیم دریا بیشتر از هر عمل دیگری در جهت گیری ساختمان لحاظ شده است. حتی جهت گیری ساختمان های سنتی با قدمت ۶۰۰ تا ۷۰۰ سال که در شهر باستانی حریره کشف شده اند؛ نشان دهنده اهمیت استفاده از انرژی باد در تامین شرایط آسایش است. (اسپندان، ۱۳۷۹، ۵۱)

معماران بومی با تمهیداتی نظیر تعیین جهت قرارگیری ساختمان، تعیین اندازه های سطوح بازشو، انتخاب مصالح و ابعاد مناسب سازه، محافظت محوطه داخل اتاق ها از تابش مستقیم، استفاده از مصالح با رنگ های روشن در نمای ساختمان و ایجاد سایه، دمای هوا را در ساختمان کاهش داده است. فضاهای تشکیل دهنده خانه های بومی کیش را می توان به لحاظ عملکردی، به سه بخش فضاهای سکونتی مانند: اتاق ها، مربعه و مجلسی، فضاهای خدماتی تسهیلاتی مانند: حمام و آشپزخانه و فضاهای اقتصادی تولیدی مانند: انبار نگهداری غلات و فضاهای نگهداری دام ها تقسیم نمود. (مختارپور و همکاران، ۱۳۸۸، ۳۳۸)

به طور کلی به جهت مقابله با حرارت حاصل از تابش نور خورشید، بومیان تدابیر ویژه ای اندیشیده که عبارتند از:

طراحی خانه ها به صورت فشرده در اطراف حیاط مرکزی: خانه های ساخته شده در این اقلیم از دو بخش زمستانه و تابستانه تشکیل شده اند که بخش تابستانه به سمت دریا و بخش زمستانه در جهت مقابل دریا قرار گرفته است.

طرح خانه های باستانی همانند خانه هایی است که در نواحی مرکزی ایران ساخته شده اند. این خانه ها شامل بخش های تابستانه و زمستانه و بخش های الحاقی در اطراف حیاط مرکزی می شوند. این تدابیر به منظور کنترل تابش نور خورشید به اندرونی خانه و اتاق ها بوده است. با وجود اینکه در نواحی گرم و مرطوب لازم است تهویه به صورت کامل صورت گیرد و در خانه ها نباید از حیاط مرکزی استفاده شود، اما به سبب وجود رطوبت ناشی از میزان بارندگی، رطوبت نسبی بالا و جزیره ای بودن آن و وجود هوای بدون ابر و درخشش طولانی خورشید در طول روز، لازم است که تدابیر ضروری به منظور کنترل تابش نور مستقیم به داخل خانه صورت پذیرد. بنابراین دو فاکتور در معماری بومی با یکدیگر تلفیق می شدند، بدین ترتیب خانه ها را به جهت جلوگیری از ورود نور در اطراف حیاط مرکزی می ساختند و بازشوهای متعدد محافظت شده از تابش مستقیم آفتاب تعبیه می کردند به گونه ای که هوا در فضاهای داخلی بنا به راحتی جریان یابد.

حفاظت محوطه داخلی در برابر تابش مستقیم: در معماری بومی جزیره به منظور جلوگیری از تابش مستقیم نور خورشید به داخل از حداقل نورگیر و پنجره برای روشنایی محیط داخلی استفاده شده است. نورپردازی اتاق ها فقط از پنجره های رو به حیاط مرکزی تأمین می شود. در قسمت تابستانه، بر روی درهای ورودی سایه بان طراحی شده، و در ها بسیار کوچک و رو به دریا هستند. این موارد موجب جریان یافتن هوا در محیط داخلی می شوند، و از تابش مستقیم آفتاب به داخل خانه نیز جلوگیری می گردد.

استفاده از اندود آهک و گچ برای روکش ساختمان: این پوشش سفید رنگ موجب حداقل جذب تابش آفتاب می شود و به این طریق دمای هوای دیوارها کاهش می یابد و از انتقال دمای زیاد به داخل ساختمان نیز جلوگیری می شود.

جهت گیری مناسب ساختمان به منظور استفاده بهینه از جریان هوا: نسیم دریا نقش مؤثری در پرداخت «رون» معماری در جزیره کیش خصوصاً در زمان قدیم داشته است. بدین صورت که در بنای ساختمان ها از نسیم دریا به جهت خنک سازی بنا استفاده بهینه شده است. بنابراین، استفاده از نسیم دریا بیش از هر عاملی در طراحی و جهت گیری ساختمان ها مورد توجه بوده است. در معماری بومی جزیره کیش مسائلی مانند: تهویه، ایجاد کوران به منظور رطوبت زدایی، کاهش دما و جلوگیری از ورود نور همواره مورد توجه بوده است. از جمله تکنیک های معماری بومی در جهت پاسخ به این مسائل می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) طراحی خانه ها در اطراف حیاط مرکزی به منظور جلوگیری از تابش نور مستقیم و استفاده از بازشوها و روزنه های سایبان دار، نظیر استفاده از ایوان های عریض در جلو پنجره ها و ورودی ها که موجب تسهیل جریان هوا می گردد، و با تعبیه این گونه سایبان از ورود نور جلوگیری می شود.

(ب) استفاده از بادگیرهای تاقچه ای، این بادگیرها در بیرون ساختمان تعبیه می شوند، به گونه ای که عرض زیاد دیوار ایجاد سایه کرده مانع تابش خورشید از روزنه به داخل محیط ساختمان می شود، و روزنه بالای تاقچه و قوس پایین آن موجب تسهیل جریان هوا می شود و نسیم به داخل ساختمان انتقال می یابد.

(ج) استفاده از انواع بادگیرها به سبک معماری نواحی مرکزی ایران مانند شهرهای کرمان و یزد و بادگیر های سبک که از جنس چوب و گونی ساخته شده اند.

طراحی ساختمان ها بر روی سکو که در حدود ۱/۵ متر از زمین بلندتر است. این امر سبب استفاده بیشتر از نسیم و جریان باد است که در بلندی بهتر جریان می یابد.

استفاده از بازشوها و درهای رو به باد که موجب جریان یافتن هوا می شود. (اسپندان، ۱۳۷۸، ۷۰)

همچنین در طراحی بناها در جزیره کیش، دیوارها از جنس سنگ و گل ساخته می شوند؛ البته، در طراحی خانه ها از خشت نیز استفاده می شده است، که به لحاظ آسایش شرایط مطلوبی را فراهم می کرده و اغلب این گونه خانه ها به اغنیا تعلق داشته اند. قطر دیوارها غالباً عریض بوده و به ۰/۵ متر می رسیده است. از جمله علل قطور بودن دیوارها می توان به این موارد اشاره نمود: الف) کاهش انتقال گرمای محیط خارجی به داخل خانه ها و همچنین افزایش مدت تأخیر گرمای انتقال یافته؛ ب) افزایش استحکام و مقاومت بنا.

در طراحی بام ها نیز، از مصالحی نظیر گل و خاک (شل)، سون (نی و شاخ و برگ به هم بافته شده)، تخته و چندل استفاده می شده است. شیوه سنتی به کار بردن چندل ها به صورت است که، ابتدا چندل را آغشته به سه بر تلخ (ظاهراً نوعی گیاه که از هندوستان وارد و با گل اخری مخلوط می کردند تا موریانه را دفع کند) کرده و سپس کمبار (ساز و یا طناب الیاف خرما) را به دور آن می پیچند تا گیرایی گچ به چوب افزایش یابد. همچنین در گذشته از تخته های بام، که از کشورها و نواحی گرمسیری مانند هند و آفریقا و جاوه وارد می شد به جای چوب چندل،

استفاده می شده است و امروزه استفاده از چوب های چهار تراشی به نام کرن، که از دبی وارد می شود، متداول است. (اسپندانی، ۱۳۷۸، ۹۴)



تصویر شماره ۴- شهر حریره کیش (همان)



تصویر شماره ۳- خانه بومیان کیش (اسپندانی، ۱۳۷۸، ۹۴)

بررسی معماری بومی جزیره کیش بیانگر این است که جهت گیری ساختمان ها در این جزیره از جهت عمومی وزش باد غالب جزیره یعنی غربی - شرقی پیروی می کند. همچنین بررسی وضعیت باد غالب منطقه نشان می دهد که متوسط سرعت باد غربی ۵/۵ متر در ثانیه بوده و سرعت باد شرقی و غربی هیچگاه از ۴/۵ متر در ثانیه کمتر نیست. تحلیل فراوانی باد و اثرات ناشی از آن بر شرایط آسایش نشان می دهد که در ۷۵ درصد از طول سال می توان شرایط آسایش را با استفاده از باد تأمین کرد که این میزان برای فصول گرم به ۴۱ درصد می رسد. به این معنی که در ۴۱ درصد از طول فصل گرم شرایط آسایشی توسط مکانیزم باد قابل تأمین است. (همان)

مولفه های طراحی منطبق با معماری بومی	توضیحات
طراحی پلان	-طراحی بنا متشکل از ۲ بخش تابستانی و زمستانی -طراحی پلان مستطیل شکل و فشرده -کشیدگی بنا در جهت شرقی-غربی
بازشو	-استفاده از حداقل بازشو به منظور جلوگیری از نفوذ تابش خورشید -قرارگیری بازشو ها در جهت جریان هوا به منظور تهویه و ایجاد کوران
نما	-طراحی نما با پوشش رنگ روشن به منظور به حداقل رساندن تابش نور آفتاب و کاهش انتقال حرارت و دمای دیوارها - طراحی نما متخلخل به منظور کنترل تابش نور آفتاب
بادگیر	-استفاده از بادگیر به منظور ایجاد سایه و تسهیل در جریان یافتن هوا
ایوان	-استفاده از ایوان به منظور کنترل حرارت خورشیدی
حیاط مرکزی	-استفاده از حیاط مرکزی به منظور جلوگیری از ورود مستقیم نور خورشید به داخل فضا - استفاده از حیاط مرکزی به منظور استفاده از تابش نور محافظت شده با استفاده از بازشوها متعدد در اطراف حیاط مرکزی
اختلاف سطح	-طراحی بنا با فاصله حداقل ۱/۵ متری از سطح زمین به منظور استفاده مطلوب از نسیم و جریان هوا

پوشش گیاهی	-استفاده از درختان سازگار با اقلیم به منظور سایه اندازی
مصالح	-استفاده از مصالح بومی همچون حصیر ، سنگ های رسوبی و مرجانی با ظرفیت حرارتی کم

جدول ۴- مولفه های طراحی منطبق با معماری بومی در جزیره کیش (ماخذ: نگارندگان)

الگوهای فرهنگی و هویت بخش در معماری بومی جزیره کیش

ایجاد سایه و استفاده از جریان باد همواره بهترین روش برای مقابله با شرایط آب و هوایی منطقه ی اقلیمی گرم و مرطوب، بوده است. این عوامل در شکل گیری و تعیین بافت شهری و فرم بناها به منظور تامین آسایش ساکنین نقش به سزایی داشته اند. (یغمائی، ۱۳۵۲) در این راستا به بررسی الگوهای معماری بومی در جزیره کیش پرداخته می شود:

شناشیر: در معماری بومی سواحل خلیج فارس از عنصری به نام شناشیر استفاده می شود. شناشیر گونه ای تراس چوبی است که به سبب تنوع شیوه ساخت آن، نماهای متنوعی پدید می آید. (کشکوک، ۱۳۸۴) شناشیر را می توان تلاش فضای خصوصی جهت استفاده بیشتر از جریان باد در فضای عمومی دانست. شناشیر در هم تنیدگی پیوسته فضاهای عمومی و خصوصی به منظور استفاده مطلوب از جریان باد است (رنجبر، ۱۳۸۹) این عنصر نور و هوا را به فضای داخلی هدایت می کند به گونه ای که نمی توان از فضای بیرونی به فضای درونی نگریست. (حمیدی، ۱۳۹۱) در طراحی این عنصر از نرده های مشبک پوشیده به جهت استفاده از جریان هوا و ایجاد سایه استفاده می شود. (شاطریان، ۱۳۹۰، ۳۹۲)



تصویر شماره ۵- شناشیر در بوشهر (شرقی، نادومی، ۲۰۱۹، ۲۰۷)

پوشش شناشیر به دو صورت مسقف و بی سقف است. در شناشیر مسقف پوشش بر روی ستون های با قطر کم و چهار تراش تکیه کرده است. پوشش چوبی یا به صورت پیوسته بر روی کل آن می باشد و یا به شکل غیر پیوسته و فقط بر روی بازوهای اتاق قرار گرفته است (معماریان، ۱۳۸۴، ۱۰۰).



تصویر شماره ۷- شناشیر مسقف (همان)



تصویر شماره ۶- شناشیر بدون سقف (شرقی،

نادومی، ۲۰۱۹، ۲۰۸)

بادگیر: بادگیر یکی از مشخصه های اصلی معماری بومی در نواحی گرم و مرطوب به شمار می رود. در کرانه های خلیج فارس بادگیرها به صورت هواکشی خرطومی شکل، بر بام ساختمان و در جهت مخالف دریا ساخته می شوند. به همین جهت باد های نسبتا ملایمی که از دریای پر جزر و مد بر می خیزد وارد بنا شده و هوای گرم و مرطوب را خارج می کند (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۳۲). استفاده از بادگیر ها در مناطق نزدیک به دریا مرسوم بوده و با دور شدن از دریاها تعداد بادگیر های به کاررفته در طراحی ساختمان ها کاسته می شود. (پیرنیا، ۱۳۸۸، ۱۵۹) بادگیر، برجی به منظور تهویه طبیعی و خنکسازی درون ساختمان می باشد که از قرن ها پیش در اقلیم های گرم مورد استفاده قرار گرفته است. عملکرد بادگیر متکی بر بادهای خارجی بوده و با مجهز کردن فضاهای مربوط به آن به وسایل خنک کننده ای مانند پنکه می توان فضاهای درون ساختمان را به مطلوب ترین شکل ممکن خنک کرده و قابل استفاده نمود.

گشودگی های ورودی بادگیر معمولا به گونه ای است که برای ربایش باد و مکش هوا به درون ساختمان به جریان بادی کم غبار خنک و نسبتا ناگسسته دستیابی داشته باشند. گونه بادگیر با ویژگی های باد منطقه ارتباط دارد. اگر جهت های باد قابل پیش بینی باشند می توان بادگیر را یک طرفه طراحی نمود. در صورتی که جهت های باد آشفته باشند، بادگیر طرحی چند طرفه خواهد داشت. بادگیرهای سنتی چند طرفه که معمولا دارای دو یا چهار کانال عمودی هستند باعث بروز پدیده ی مکش در جهت باد پشت برج می شوند و در جهت دیگر، بادگیر را قادر به

مکیدن هوا می کنند. در همین زمان در جهت دیگر به عنوان سیستم مکش و خروجی عمل می کنند. بررسی در زمینه ی چگونگی تهویه ی طبیعی ساختمان ها نشان می دهد که فضای گشودگی های ورودی و خروجی بادگیر ۰۵-۰۳٪ فضای کف را تشکیل می دهند. در مواقعی که هیچ گونه بادی در کار نیست هرگونه بادگیر به عنوان دستگاه تهویه عمل می نماید. به گونه ای که بر اثر فشار کمتر هوای بیرونی از فشار هوای درون ساختمان هوای گرم بوسیله ی اثر دودکشی به بیرون کشیده می شود. بنابراین همواره یک جریان هوا در درون فضا برقرار می گردد، هرچند که شدت آن کمتر از مواقعی خواهد بود که باد در محیط خارج جریان داشته باشد. (فاروقی، ۱۳۹۴، ۸)



تصویر شماره ۸- بادگیرهای آب انبار جزیره کیش (ماخذ: نگارنده)

نتیجه گیری

بر اساس تمرکز به مفاهیم فرهنگ و هویت و گسترش آن ها، فرهنگ یکی از مولفه های موثر در شکل گیری فضای معماری است. بنا، به عنوان جزئی از فرهنگ وظیفه عینیت بخشیدن به ارزش ها و اندیشه های یک جامعه را، از طریق فرم معماری دارد. به عبارتی معماری به عنوان پدیده ای اجتماعی همواره از فرهنگ تاثیر پذیرفته و بر آن تاثیر می گذارد. معماری را می توان تجلی اندیشه ها، ارزش ها، باورها و هنجارهای جوامع دانست. هویت نیز به عنوان یک مفهوم چند بعدی از عواملی مانند: فرهنگ، تاریخ، سنت و... نشات می گیرد. هویت نیز یکی از مولفه های موثر در شکل گیری معماری می باشد و توجه به آن نقش به سزایی در حفظ، ارتقاء و توسعه ارزش های فرهنگی و بومی یک منطقه دارد. بنابراین شناخت هویت اصیل در معماری مناطق مختلف ایران یکی از مهم ترین راهکار های حفظ و توسعه این گونه ارزش ها می باشد.

معماری مناطق جنوبی ایران به ویژه نواحی ساحلی همچنان ساختار و اصالت خود را حفظ نموده اند. معماری این نواحی با توجه به مولفه هایی که دارای شباهت ها تفاوت هایی نسبت به معماری سایر نقاط ایران است، از شاخص های متنوع و منحصر به فرد برخوردار است. در معماری بومی این نواحی توجه ویژه ای به مسائل اقلیمی و بومی منطقه شده است. به گونه ای که پاسخگویی نیاز های ساکنین آن باشد. لذا همواره مشخصه های معماری بومی منطقه از جمله: شرایط آب و هوایی، پوشش گیاهی، ایجاد گردش هوا، تهویه مطلوب، استفاده از سایبان های مناسب، حیاط مرکزی، ایوان، مصالح بومی و... در طراحی استفاده شده است. بنابراین مولفه های فرهنگی، هویتی و بومی نقش به سزایی در شکل گیری الگوهای معماری منطقه داشته اند. علاوه بر سازگاری با شرایط اقلیمی و آسایش، دید و منظر مناسب نیز در طراحی بومی منطقه مورد توجه بوده است.

منابع

۱. افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۷۰)، جزیره کیش و دریای پارس، تهران: نشر جهان معاصر.
۲. اسپندانی، علی، (۱۳۷۹)، قابلیت های اقلیم شناختی معماری بومی: مطالعه موردی جزیره کیش، فصلنامه پیک نور، اصفهان.
۳. عبدالله پور، جعفر، مختار پور، رضا، (۱۳۹۸)، دانش بومی مردم کیش در معماری سنتی، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، تهران.
۴. آشوری، داریوش، (۱۳۸۱)، تعریف ها و مفهومی فرهنگ، تهران: نشر آگاه.
۵. بهزادفر، مصطفی، (۱۳۹۰)، هویت شهر. تهران: نشر شهر.
۶. پوردیهمی، شهرام، (۱۳۹۰)، فرهنگ و مسکن، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴.
۷. پیشدادیان، آزاده، (۱۳۹۰)، زمینه گرایبی با رویکرد منطقه گرایبی، دانشگاه آزاد قزوین: چاپ گوهر دانش.
۸. پیرنیا، غلامحسین، (۱۳۹۳)، سبک شناسی معماری ایرانی، تهران: سروش دانش.
۹. حجت، عیسی، (۱۳۹۴)، سنت گرایان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱، ۱۶-۵.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۵)، لغت نامه دهخدا، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۱. فراش خیابانی، مریم، پرتوی، پروین، (۱۴۰۰)، واکاوی ماهیت دگر فضاهای شهر تهران محدوده مرکزی با تأکید بر زمینه فرهنگی، نشریه هنرهای زیبا، ۱۷.

۱۲. فرکیش، هومن، کرکیان، نادر، احمدی، وحید، (۱۳۹۲). شناخت اصول پایداری در معماری و شهرسازی بومی، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد.
۱۳. قادیان، وحید، (۱۳۸۵). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. کسمایی، محمود، (۱۳۶۳). اقلیم و معماری، نشر خانه‌سازی در ایران.
۱۵. علیزاده، حبیب، نوری، کامران، مهردانش، گونا، (۱۳۹۹). بررسی تأثیر فرهنگ بر منظر شهری با رویکرد برنامه‌ریزی در مجتمع‌های زیستی (شهر شاهو)، نشر جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۳، شماره ۲، ۴۴۲-۴۱۱.
۱۶. مایس، فون پیر، (۱۳۸۴). عناصر معماری از مکان تا فرم، (ترجمه: دولتخواه)، تهران: نشر مانتک.
۱۷. مهدوی‌نژاد، محمدجواد، بمانیان، محمدرضا، و ملایی، معصومه، (۱۳۹۰). طراحی زمینه‌گرا تجربه معماری، نشر نقش جهان، ۳۴-۲۱.
۱۸. معماریان، غلامحسین، (۱۳۹۱). سیری در مبانی نظری معماری، تهران: سروش دانش.
۱۹. نصری، سیدرضا، (۱۳۹۳). زمینه‌گرایی در مقیاس شهری (با تأکید بر هویت و تصاویر جمعی مشترک از شهر)، قزوین: نشر گوهر دانش.
۲۰. نصیری‌خلیلی، علی‌اکبر، بهنیافر، احمدرضا، و علی‌پور قصاب رحیمی، علی، (۱۳۹۹). زمینه‌ها و عوامل حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی و هنری معاصر ایران، نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۳۷۷-۳۸۸.

References:

1. Banerjee, R. (2021). Identity and Architecture. Bloomsbury Publishing.
2. Brown, A. (2021). Heritage and Modernity in Persian Gulf Architecture. London: Architectural Press.
3. Brown, A. (2021). Understanding Indigenous Cultural Practices. London: Oxford University Press.
4. Chrisczek, R., & Ber, R. (2020). Place identity and architecture: Exploring the relationship between built environments and the formation of individual and communal identities. *Architecture and Environmental Behavior*, 3(1), 65-84.
5. Cucco, P., Maselli, G., Nestico, A., Ribera, F., & Pasquale (2023). An evaluation model for adaptive reuse of cultural heritage in accordance with 2030 SDGs and European Quality Principles. *Journal of Cultural Heritage*, p202-216.
6. Day, C. (2019). Places of the Soul: Architecture and Environmental Design as a Healing Art. London: Routledge.

7. Davis, M. (2022). *Eco-friendly Design and Indigenous Wisdom*. San Francisco: Green Architecture Publishers.
8. Frampton, K. (1981). *Towards a Critical Regionalism: Six Points for an architecture of resistance. The Anti- aesthetic: Essays on Postmodern Culture*. New York: Bay Press. 16- 30.
9. Frampton, K. (1983). *Critical Regionalism: Architecture and Identity in a Globalized World*. New York: Thames & Hudson.
10. Hall, E. T. (2019). *The Silent Language*. New York: Anchor Books.
11. Hecht, S. (2021). "Vernacular Architecture in the Age of Sustainability." *Journal of Sustainable Architecture*, 15(2), 45-62.
12. Johnson, L. (2019). *Traditional Building Techniques and Modern Architecture*. Cambridge: Cambridge University Press.
13. Johnson, L. (2019). *Traditional Building Techniques and Modern Architecture*. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Kellert, S. R., Heerwagen, J. H., & Mador, M. L. (2020). *Biophilic Design: The Theory, Science, and Practice of Bringing Buildings to Life*. Hoboken: Wiley.
15. Kumar, S. (2022). *Vernacular Architecture: Adaptation and Sustainability*. Delhi: Academic Press.
16. Mukherjee, D. (2022). *Resilient Vernacular Architecture: Lessons from Traditional Indian Building Techniques*. New Delhi: Academic Press.
17. Oliver, P. (2006). *Built to Meet Needs: Cultural Issues in Vernacular Architecture*. Oxford: Architectural Press.
18. Oliver, P. (2007). *Built to Meet Needs: Cultural Issues in Vernacular Architecture*. Oxford: Architectural Press.
19. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
20. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
21. Rapoport, A. (1977). *Human Aspects of Urban Form*. New York: Pergamon Press.
22. Rufolo, A. (2021). *Architecture and the Formation of Identity*. Routledge.
23. Rudofsky, B. (1964). *Architecture Without Architect*. Albuquerque: University of New Mexico Press.
24. Smith, J. (2018). *Indigenous Architecture: A Global Perspective*. New York: Routledge.
25. Smith, J. (2020). *Cultural Identity and Sustainable Architecture*. New York: Routledge.

26. Sidanius, J., Cotterill, S., Sheehy-Skeffington, J., Kteily, N., & Carvacho, H. (2021). Social dominance theory: Explorations in the psychology of oppression. In P. A. M. van Lange, E. T. Higgins, & A. W. Kruglanski (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (pp. 612–637). The Guilford Press.
27. Tavassoli, M. (1997). *Principles and Techniques of Urban Design in Iran*. 4th Ed, Tehran: UARC.
28. Thompson, R. (2020). *Sustainable Architecture and Local Materials*. San Francisco: Green Architecture Publishers.
29. Thompson, R. (2020). *Sustainable Architecture and Local Materials*. San Francisco: Green Architecture Publishers.

